

بہتر خدا

بہ چاچالک ~~بہ~~ سستوٹ کنید

بہتر
Houpa

به چاچالک سفر سقوط کنید

احمد اکبر پور
تصویر گر: سارا طبیب زاده



سرشناسه: اکبرپور، احمد، ۱۳۴۹
عنوان و نام پدیدآور: به چالک سفر، سقوط کنید/احمد اکبرپور؛
ویراستار هدا توکلی؛ تصویرگر سارا طبیب‌زاده.
مشخصات نشر: تهران: هوپا، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری: ۱۵۱ ص: مصور: ۱۳ × ۲۰/۵ س. م.
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۰۲۵-۳۴-۴
وضعیت فهرست نویسی: فیبا
موضوع: داستان‌های طنزآمیز فارسی -- قرن ۱۴
شناسه افزوده: توکلی، هدا، ۱۳۶۱-، ویراستار
شناسه افزوده: طبیب‌زاده، سارا، ۱۳۶۳-، تصویرگر
رده بندی کنگره: ۱۳۹۴ ب۹ ۱۶۴/ک۱۴ PIR ۷۹۵۳
رده بندی دیویی: ۸۵۳/۶۲
شماره کتابشناسی ملی: ۴۰۹۳۰۸۸



به چالک سفر سقوط کنید

نویسنده: احمد اکبرپور
تصویرگر: سارا طبیب‌زاده
ویراستار: هدا توکلی
مدیر هنری: فرشاد رستمی
طراح گرافیک: الهه جوانمرد
چاپ اول: ۱۳۹۵
تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه
قیمت: ۱۴۰۰۰ تومان
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۰۲۵-۳۴-۴

هوپا
Hoopaa

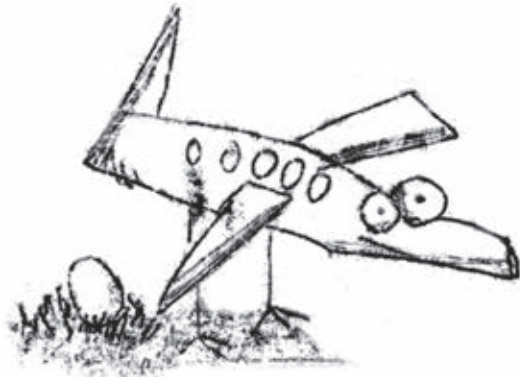
مدیر مسئول: علی عسگری

آدرس: تهران، میدان فاطمی، خیابان بیستون،
کوچه‌ی دوم الف، پلاک ۳/۱، واحد دوم غربی،
صندوق پستی: ۱۴۳۱۶۵۳۷۶۵
تلفن: ۸۸۹۶۴۶۱۵

همه‌ی حقوق چاپ و نشر انحصاراً برای نشر
هوپا محفوظ است.

استفاده از بخش‌هایی از متن کتاب، فقط برای
نقد و معرفی آن مجاز است.

www.hoopaa.ir
info@hoopaa.ir



فصل اول

غیرمترقبه

- مگر پشت همین کوه‌های سیاه دنیا تمام نمی‌شود؟

- بله سمندر، درست پشت همین کوه‌های بلند.

- مگر پشت آن‌ها جز سیاهی و تاریکی جنبنده‌ای وجود دارد؟

- خیالتان آسوده، فقط سیاهی و تاریکی.

کام‌روا سمندر که نمی‌خواهد دانشمندش را پیش بقیه ضایع

کند می‌چرخد و پشتش را به مردم می‌کند، یواش توی گوشش

می‌گوید: «پدرسوخته‌ی مفت‌خور، اگر این‌طور است، سر و کله‌ی

این پرنده‌ی آهنی از توی تنبان جد و آبات پیدا شده؟» **کوه‌مراد**

آب دهان را قورت می‌دهد، یک فین ملایم می‌کند و جواب

می‌دهد: «راستش جناب کام‌روا، با این حادثه‌ی غیرمترقبه قوه‌ی

فکر و خیال من **هنگ** کرده.» قبل از اینکه کام‌روا سرش داد

بکشد که ای پدرسوخته این کلمه‌ی هنگ را از کدام گورستان

این اعتقاد سال‌های سال پا بر جا بوده تا اینکه در این سحرگاه بارانی و طوفانی صدای سقوط وحشتناک پرنده‌ای آهنی تمام اهالی را بدون نیاز به جارچیان به میدان مرکزی ده سرازیر کرد.



بخش مطالعات اضافی/ حادثه‌ی غیرمترقبه

اندیشمندان چاچالک و حومه اعتقاد دارند اتفاقی غیرمترقبه است که واقعاً غیرمترقبه باشد. به جز حیوانات هر کسی حق دارد در مورد اتفاق غیرمترقبه اظهار نظر کند و یا برعکس، یک کلمه هم حرف نزند.

کامروا اجازه دارد به تمام پیشنهادها فکر کند و تصمیم نهایی را بگیرد و همین‌طور اجازه دارد به هیچ پیشنهادی فکر نکند و تصمیم نهایی را بگیرد. وظیفه‌ای که قانون بر گردنش گذاشته این است که به همه‌ی پیشنهادها گوش داده و در حین شنیدن آنها چندبار سرش را تکان دهد.

گل‌دهان به نمایندگی از انجمن زنان فرهیخته اجازه می‌گیرد و از پله‌های جایگاه بالا می‌آید. او کوه‌مراد را بدون توجه به مقام علمی‌اش کنار می‌زند و رو به کامروا می‌گوید: «از لحاظ غریزی دل ما شور الکی نمی‌زند و می‌خواهیم هرچه زودتر به محل حادثه برویم. حتماً مار یا خرگوش یا چندتایی از کرم‌های خاکی توی این حادثه آسیب دیده‌اند.»

درآورده‌ای که برای اولین‌بار توی گوش‌های من دنگ‌دنگ می‌کند خودش خم می‌شود و زانوی او را می‌بوسد. با شرمساری توضیح می‌دهد که از دیشب تا حالا همین کلمه و چندین کلمه‌ی بی‌صاحب غریب و ناشناس مثل خوره توی فکر و خیالش جولان می‌دهند و روحش را می‌خراشند. کلمه‌هایی که نه تنها نمی‌توان به کسی اظهار کرد بلکه... کامروا می‌گوید: «خفه.»

سر و صدای مردم غیر قابل کنترل شده و شاهد‌های عینی از سقوط پرنده‌ای آهنی می‌گویند که ویلان و سرگردان هی پایین و پایین‌تر می‌آمده و بعد مثل شاهینی زخمی، تالپ، توی مرداب گردن کج کرده است.

مردم مرتب انگشت اشاره‌شان را سمت آسمان دراز می‌کردند و در گوش هم بچ‌بچ می‌کردند.

چاچالک و دشت‌های اطرافش از چهار طرف در محاصره‌ی کوه‌های بلند نوک‌سیاهی قرار دارد که نشانه‌ی پایان مرزهای جهان است. دانشمندان و فیلسوفان قدیم و جدید تمامشان هم‌عقیده‌اند که پشت این کوه‌های سیاه جهان تمام می‌شود. در قدیمی‌ترین سنگ‌نوشته‌ی موجود در موزه‌ی چاچالک چنین آمده است:

جهان عبارت است از زن کامروا، کامروا، احشام، مردم چاچالک و دشت‌های اطراف آن تا انتهای معدن‌های سرخ و کوه‌های سیاه. خلاص.

با وجود دشت‌های حاصل‌خیز و معدن‌های سرشار از طلا و چشمه‌های جوشان که خیلی از نیازهای مردم را تأمین می‌کردند،



انجمن زنان فرهیخته بیشتر روی مسائل مهمی تمرکز می‌کنند که خیال و شعور مردان رغبت و توجه چندانی به آنها ندارند. تا به حال نظراتشان را درباره‌ی احساسات غیرمترقبه‌ی زنانه، دنیای غمگین لاک‌پشت‌ها، غرور نامرئی گاوها و علت سرخوشی و سرسبزی گیاهان ارائه کرده‌اند و در خیلی از موارد باعث شگفتی و ذوق‌زدگی بسیاری از مردان شده‌اند. به جز زن کامروا و تک و توکی از مردان، بقیه از فعالیت آنها استقبال می‌کنند و در مراسم‌های خودجوش این انجمن شرکت می‌کنند.

کامروا چندبار سرش را تکان می‌دهد و با اشاره‌ی دست گل‌دهان را به آرامش دعوت می‌کند و هم‌زمان هرچه سر می‌چرخاند اثری از اژدر نمی‌بیند. او دومین دانشمندی است که از طرف کدخدا عنوان **دانشمار** را در راه پیشرفت علم و دانش دریافت کرده است. او برای اولین بار تنبان و دمپایی و یک نوع ناخن‌گیر خودکار را اختراع کرده و با روش‌های ابتکاری سه‌گرگ، یک خرس و دو سوسمار را اهلی کرده است.

داد می‌زند که: «این پدرسوخته کجاست؟» نگهبان سرش را بالا می‌گیرد و عرض می‌کند که او بعد از شنیدن صدای سقوط این جسم شیطنانی در را به روی خودش بسته و به تفکری عمیق مشغول شده است. کامروا زیر لب می‌گوید: «تفکری نشانت بدهم که گرگ اهلی تنبانت را جر بدهد.» و دستور صادر می‌کند که همگی به طرف محل سقوط جسم پرنده حرکت کنند.

باران کم‌کم بند می‌آید و خورشید از لای ابرهای پراکنده بر فراز کوه سیاه خودنمایی می‌کند. قوسی از رنگین‌کمان چاچالک را به محل حادثه وصل کرده است.



نشر هوپا همگام با بسیاری از ناشران بین‌المللی از کاغذهای مرغوب با زمینه‌ی کرم استفاده می‌کند، چرا که:
نور را کمتر منعکس می‌کنند و چشم هنگام مطالعه کمتر خسته می‌شود.
سبک‌تر از کاغذهای دیگرند و جابه‌جایی کتاب راحت‌تر می‌شود.
و مهم‌تر اینکه برای تولید این کاغذها درخت کمتری قطع می‌شود.

به امید دنیایی سبزتر و سالم‌تر